

طغیان کارون!

شهاب برهان borhan@club-internet.fr

در خبرها شنیدیم که سیصد تن از زندانیان زندان کارون اهواز، به قصد جلوگیری از انتقال یک محکوم به مرگ توسط مأمورانی که برای بردن او به حیاط زندان برای اجرای حکم آمده بودند، در جلو سلول وی ازدهام کردند و راه را بر مأموران بستند؛ و هنگامی که مورد تهاجم گارد زندان قرار گرفتند، سر به شورش برداشته و زندان را به آتش کشیدند؛ و بالاخره تعدادی از آنان برای تنبیه، به زندان دیگری تبعید شدند.

شاید این خبر، کم اهمیت و عادی به نظر برسد، چون زندانیان عادی بوده‌اند که دست به این حرکت زده‌اند؛ و محکومیت آن اعدامی هم، بخاطر کشتن یک مأمور انتظامی در جریان یک سرقت مسلحانه بوده است. اما اهمیت و خارق‌العاده بودن این حرکت، درست در همین دو نکته است. در این است که زندانیان عادی دست به چنین اقدامی زده‌اند.

شورش و آتش زدن تشک‌ها و پتوها در زندان‌های عادی، چیز بی سابقه‌ای نیست. دار زدن محکومین به مرگ در حیاط زندان هم چیز تازه‌ای نیست و در همین زندان کارون اهواز، بارها اتفاق افتاده است و امری عادی است. شورش‌هایی که در زندان‌های عادی رخ می‌دهند، همیشه در اعتراض به شرایط بد زندان، و برای مطالبات رفاهی‌اند. اما تجمع سیصد زندانی عادی برای جلوگیری از اعدام قاتل یک مأمور نظامی حکومت، نه یک حرکت رفاهی بود، و نه صرفاً بخاطر مخالفت با اعدام. آنچه این زندانیان را به حرکت در آورد، این اعدام خاص، اعدام کسی بود که یک نظامی حکومتی را کشته بود.

این حرکت مشترک زندانیان عادی، در امری که هیچ نفع شخصی یا مشترکی در آن نداشته‌اند، انگیزه و محرکی جز کینه و نفرت انباشته از حکومت و عمال آن نمی‌توانسته داشته باشد. این، همدستی و اقدام متهورانه سیصد زندانی عادی با محرک سیاسی، حادثه‌ای قابل تأمل است که نظیر آن تا کنون دیده نشده است. اگر این اقدام به جلوگیری از اعدام یک محکوم به مرگ و سپس، شورش و آتش زدن زندان و تبعید شدن بخاطر این اقدام، از زندانیان سیاسی سر زده بود، انعکاس آن نه همچون یک خبر، بلکه همچون انفجار بمبی می‌بود که ماه‌ها و ماه‌ها مورد بحث و تحلیل در جراید و محافل سیاسی داخل و خارجی قرا می‌گرفت؛ و از چنین این اقدام قهرمانانه و شجاعانه‌ای چه تجلیل‌ها که نمی‌شد! اما این اقدام قهرمانانه و بسیار شجاعانه، از زندانیان عادی سر زده است و به همین دلیل، معنای سیاسی و اهمیت اجتماعی آن بمراتب بیش‌تر از آن است که اگر از زندانیان سیاسی سر می‌زد.

این که این حرکت زندانیان زندان کارون، از سرکوب‌های اخیر در خوزستان و بخصوص اهواز، و از اوجگیری حرکات توده‌ای در این شهر تأثیر پذیرفته است، یا از فضای انفجاری عمومی در سراسر

ایران، تغییری در مضمون و ارزش این حرکت نمی‌دهد. اقدام متحد و متهورانه زندانیان عادی زندان کارون اهواز، در این شرایط که رژیم فاشیستی، شمشیر از رو بسته و می‌خواهد در هر جا که زورش برسد چوبه‌های دار و اعدام بر پا کند، یک سرمشق سمبولیک و الهام بخش برای جنبش‌های گوناگون اعتراضی مردم است _ که متأسفانه از پراکندگی در رنج است. این اقدام پر شور و پر شهامت زندانیان در بند برای جلوگیری از اعدام یک محکوم به مرگ، سرمشقی است سمبولیک برای جنبش مقاومت در برابر استبداد دینی؛ جنبشی که برای مقابله مؤثر با سرکوب، نه تنها راهی جز رو آوردن به همبستگی و همدستی ندارد، بلکه همچنین ناگزیر است به سلاح تهور مجهز شود، فداکاری کند، و از قربانی دادن و پرداخت بهای آزادی، نهراسد.

حرکت زندانیان عادی زندان کارون، یک حرکت آموزنده، الهام دهنده و به یاد ماندنی در تاریخ مبارزه با حکومت اسلامی است؛ و ارزش آن را دارد که مبارزان راه آزادی و دموکراسی و همچنین همه جریان‌اتی که برای لغو مجازات اعدام مبارزه می‌کنند، درودها، وستایش‌ها و همدلی‌شان را نثار این زندانیان شجاع و قهرمان بکنند.

۱۰ دی ۱۳۸۱

۳۱ دسامبر ۲۰۰۲